

Submit Date: 25 June 2025
Revise Date: 27 August 2025
Accept Date: 04 September 2025
Publish Date: 21 March 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Analytical Examination of the Position of the Presumption of Guilt in Iranian and Canadian Criminal Law

Ali Derakhshan¹, Reza Faani^{*2}, Jafar Sadegh Manesh³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Ard.C., Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Theology, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

* Corresponding Author's Email: drfaani58@gmail.com

ABSTRACT

One of the most prominent legal principles enshrined in the Constitution of the Islamic Republic of Iran is the presumption of innocence, explicitly stated in Article 37: "The principle is innocence, and no one is considered guilty under the law unless their crime is proven in a competent court." However, subject to certain exceptions, deviation from the presumption of innocence is recognized under the notion of the presumption of guilt. In both Iranian laws—particularly the Islamic Penal Code—and Canadian criminal law, there exist instances in which, contrary to the presumption of innocence, the defendant must provide evidence to prove their own innocence. Nevertheless, in order to safeguard justice and fairness, the reversal of the burden of proof must remain an exceptional measure, confined to cases explicitly stipulated by law, and it must always be possible to rebut such a presumption.

Keywords: *presumption of innocence, presumption of guilt, Iranian criminal law, Canadian criminal law*

How to cite: Derakhshan, A., Faani, R., & Sadegh Manesh, J. (2026). Analytical Examination of the Position of the Presumption of Guilt in Iranian and Canadian Criminal Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(1), 1-12.



تاریخ ارسال: ۴ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ فروردین ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

بررسی تحلیلی جایگاه اماره مجرمیت در حقوق کیفری ایران و کانادا

علی درخشان^۱، رضا فانی^{۲*}، جعفر صادق منش^۳

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: drfaani58@gmail.com

چکیده

یکی از برجسته ترین اصول حقوقی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل براءت است که در اصل سی و هفتم بطور صریح ذکر شده است: «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. اما این امر بموجب استثنائاتی، عدول از اصل براءت تحت عنوان "اماره مجرمیت" شناخته می شود، در قوانین ایران بالاخص قانون مجازات اسلامی و حقوق کیفری کانادا مصادیقی وجود دارد که در آنها برخلاف اصل براءت، متهم باید جهت اثبات بی گناهی خود اقامه دلیل نماید. اما جهت رعایت عدالت و انصاف، معکوس نمودن بار اثبات دلیل باید بعنوان امری استثنایی به موارد تصریح شده در قانون محدود شود و امکان اثبات خلاف آن نیز وجود داشته باشد.

کلیدواژگان: اصل براءت، اماره مجرمیت، حقوق کیفری ایران، حقوق کیفری کانادا

۱- مفهوم و جایگاه اصل برائت

الف: مفهوم برائت

برائت به معنی پاکی جستن، رهایی پیدا کردن و آزاد بودن، تبری و بیزاری جستن است. برائت، یکی از اصول مهم در مذاهب گوناگون فقهی، و یکی از چهار اصل عملی در اصول متأخر امامیه که عبارت است از نفی تکلیف از مکلف در موارد شک در تکلیف. برائت در لغت به معنای پاکی، پاک شدن از عیب، دوری، رهایی و خلاص شدن آمده است. اصل برائت، از اصطلاحات علم اصول، با مفاد حکم ظاهری و از اصول عملیه چهارگانه است که از مجموع آن‌ها به «دلیل فقاهتی» یا اصل عملی یاد می‌شود (Mozaffar).

ب: برائت در قرآن

با توجه به اهمیت اصل برائت و تأثیر آن در تحقق عدالت و تحکیم ارزش‌های انسانی در قرآن مجید آیات متعددی به صورت صریح و ضمنی به این موضوع پرداخته است که از آن جمله می‌توان به آیه ۱۵ سوره اسراء (هر کس به راه آمده تنها به سود خود به راه آمده، و هر کس بیراهه رفته تنها به زیان خود بیراهه رفته است و هیچ کس بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد، و ما تا رسول نفرستیم، عذاب نمی‌کنیم)، آیه ۷ سوره طلاق (مرد دارا به وسعت و فراوانی نفقه زن شیرده دهد، و آن که ندارد و تنگ معیشت است از آنچه خدا به او داده انفاق کند. که خدا هیچ کس را جز به مقدار آنچه (توانایی) داده تکلیف نمی‌کند، و خدا به زودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد). و آیه ۱۱۵ سوره توبه (خدا بعد از آنکه قومی را هدایت کرد دیگر گمراه نکند تا بر آن‌ها آنچه را باید از آن بهره‌یزند معین و روشن بیان کند، که خدا محققاً به همه چیز داناست) اشاره کرد و همچنین سوره‌های نساء (آیه ۱۱۲) (و هر کس خطا یا گناهی از او سرزند و تهمت به بی‌گناهی بزند مرتکب بهتان و گناه بزرگ و آشکاری شده است.) و نور (آیه ۴۴) (و آنان که به

به موجب اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که بعنوان اصل برائت شناخته می‌شود هیچ کس مجرم نیست مگر اینکه جرم وی ماورای هرگونه شک و شبهه معقول اثبات شود؛ شک عبارتست از اندیشه‌ای که دو احتمال مساوی آنرا در برگرفته و هیچ یک از آن‌ها بر دیگری رجحان نداشته باشد. شک زمانی مصداق پیدا می‌کند که دو یا چند احتمال مطرح باشد ولی هیچکدام بر یکدیگر ارجحیت ندارد. اما اگر ذهن به یکی از این حالات متمایل شود می‌گویند ظن وجود دارد (Jafari Langroudi, 2008). قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مبحث ادله اثبات در امور کیفری در ماده ۲۱۱ مقرر می‌دارد که علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند. به رغم اعمال اصل برائت در امور کیفری و حاکم بودن آن بر دیگر اصول و قواعد حقوق جزا، در موارد خاصی از اجرای این اصل عدول می‌شود. مبنای عدول از اصل برائت در بسیاری موارد، همان مبنایی است که حاکمیت اصل برائت در امور کیفری را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر همانگونه که عدالت حقوقی اقتضا می‌کند در صورت عدم وجود دلیل، اصل بر برائت و بی‌گناهی متهم باشد؛ در موارد خاصی که وجود قرائنی، ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌کند، اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است و در این موارد متهم باید جهت اثبات بی‌گناهی خود، اقامه دلیل نماید.

در این مقاله، در بحث اماره مجرمیت در حقوق کیفری ایران و کانادا درصدد هستیم تا مفاهیم اصل برائت و اماره مجرمیت، جایگاه و مصادیق اماره مجرمیت را در حقوق ایران و کانادا بررسی کنیم.

شهروندی در بند دو ماده واحده این قانون آمده که اشعار می‌دارد: "محکومیتها باید برطبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر براءت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد."

۲- مفهوم، جایگاه و مصادیق اماره مجرمیت

الف- مفهوم و جایگاه اماره مجرمیت

اماره در لغت به معنی علامت، نشان و نشانه است و جمع آن امارات است (Dehkhoda, 1993). در اصطلاح حقوقی به موجب ماده 1321 قانون مدنی، اماره عبارت است از اوضاع و احوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود. با توجه به این تعریف از اماره باید گفت که اماره امر معلومی است که در خارج به وسیله آن امر مجهولی که مورد ادعای ثالث است، ثابت می‌شود. لذا اموری که به وسیله امارات ثابت می‌گردند، معتبر شناخته شده است. زیرا امارات کاشف از واقع هستند. در حقیقت با توجه به معنای لغوی، امارات ادله تکمیلی‌اند که در عالم خارج وجود دارند و علامت یا نشانه وجود حقی برای صاحب آن می‌باشند. همچنین دلیل از طریق اماره، بیش از هر دلیل دیگری، غیر مستقیم است. اماره قانونی و اماره قضایی دو قسم از امارات در حقوق ایران است؛ امارات قانونی اوضاع و احوالی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده باشد. امارات قضایی همان اوضاع و احوالی است که به نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود، یعنی قاضی از آن اوضاع و احوال نسبت به امر مجهول قطع و یقین پیدا می‌کند و نوعاً صحت اظهارات یکی از طرفین دعوی را برساند. اعتبار اماره قضایی مبتنی بر قطع و یقین است که از اوضاع و احوال موجود در خارج برای دادرس در رسیدگی به دعوا حاصل می‌شود (Jafari Langroudi, 2008). امارات مجرمیت براساس وجود عوامل خارجی و قرائن و نشانه‌های عینی،

زنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند آن‌گاه چهار شاهد (عادل) بر دعوی خود نیاورند آنان را به هشتاد تازیانه کیفر دهید، و دیگر هرگز شهادت آن‌ها را نپذیرید، و آنان مردمی فاسق و نادرستند. (Mohaghegh Damad). مستند عقلی اصل براءت، قاعده مشهور عقلی «قیح عقاب بلا بیان» می‌باشد. مفاد قاعده این است که مادام که عملی توسط شرع نهی نگردیده و آن نهی به مکلف ابلاغ نشده، چنانچه شخص مرتکب گردد مجازات او عقلاً قبیح و زشت است (Mohaghegh Damad).

ج: براءت در قوانین ایران

اصل براءت بعنوان یکی از مهم ترین اصول حقوقی در قانون اساسی و قوانین داخلی کشورمان مقرر گردیده است و از این جهت واجد یک مبنای بنیادین در علم حقوق هست. اصل 37 قانون اساسی، بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ و ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای اصل مهم تصریح دارند. اصل بر براءت در قانون اساسی در اصل ۳۷ قانون اساسی بیان شده است که اشعار می‌دارد: "اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم محسوب نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد." اصل براءت در ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی، آمده که اشعار می‌دارد: "اصل براءت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم به براءت صادر خواهد شد." اصل براءت در قانون آئین دادرسی کیفری در ماده ۴ این قانون آمده که اشعار می‌دارد: "اصل، براءت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند." اصل براءت در قانون حقوق

آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

۲- لوث در جنایت: با توجه به ماده ۳۱۴ قانون مجازات اسلامی، لوث قرائن و شواهدی است که قاضی با استفاده از آن‌ها نسبت به ارتکاب و یا عدم ارتکاب جرم از سوی متهم حکم می‌دهد. به عنوان مثال زمانی که یک شاهد به ارتکاب جنایت توسط فرد دیگر شهادت می‌دهد یا فردی را در کنار مقتول همراه با آثار و ادوات جرم پیدا می‌کنند، در اینصورت می‌توان گفت لوث اتفاق افتاده است. مطابق ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی: در صورت حصول لوث، نخست از متهم، مطالبه دلیل بر نفی اتهام می‌شود. اگر دلیلی ارائه شود، نوبت به قسامه شاکی نمی‌رسد و متهم تبرئه می‌گردد. در غیر این صورت با ثبوت لوث، شاکی می‌تواند اقامه قسامه کند یا از متهم درخواست قسامه نماید. هر یک از این موارد می‌توانند قرائن و شواهدی بر وقوع جنایت توسط شخصی خاص باشند. در صورت وجود لوث، هر شخص با دیدن قرائن موجود به این نتیجه می‌رسد که قاتل و یا ضارب به فرد ب، شخص الف است. این ظن و گمان باید برای قاضی نیز رخ دهد. متهم باید برای اثبات بیگناهی به اقامه دلیل و بینه بپردازد. در اینجا بر خلاف اصل برائت، متهم باید به اقامه قسامه مبادرت نماید.

۳- مسئولیت فراخواندن شبانه شخص دیگر: طبق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: هرگاه شخصی را که شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فرا خوانده و بیرون برده‌اند، مفقود شود، دعوت کننده، ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دعوت شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است. این حکم در مورد کسی که با حيله یا تهدید یا هر طریق دیگری، کسی را برباید و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است. این ماده از موارد خاص است که در آن نیازی به اثبات کامل وجود رابطه علیت نبوده و صرف اثبات ادعای اولیاء

مجرمیت شخص متهم را مفروض می‌انگارند و به همین علت از آن‌ها تحت عنوان امارات مجرمیت یا فروض مجرمیت نام می‌برند. سازوکار عمومی این امارات بر مبنای فرض وجود یکی از عناصر سازنده جرم استوار است. به این ترتیب، دادستان حسب مورد از اثبات عنصر مادی یا عنصر معنوی معاف است؛ اما از آنجاکه در ارتباط با این امارات، خطر نادیده گرفتن اصل برائت وجود دارد. البته باید متهم بتواند با ارائه ادله قوی تر، اماره مجرمیتی را که علیه او قابل استناد است، بی‌اثر کند و برائت خود را ثابت نماید.

امارات مجرمیت را می‌توان به دودسته اماره قانونی (حکمی) و اماره قضایی (شکلی) تقسیم کرد. در یک تعریف ساده، امارات قانونی یا حکمی، اماراتی هستند که قانون آن‌ها را دلیل بر امری قرار داده باشد؛ به عبارت دیگر، دلالت وجود امر یا مجموعه ای از امور (اوضاع و احوال) بر وجود امر دیگر (عنصر مادی یا معنوی) اگر به حکم قانون باشد، اماره حکمی یا قانونی خوانده می‌شود. برخلاف امارات قانونی، امارات قضایی یا شکلی را قانون تأسیس نکرده است بلکه به صلاحدید دادرس واگذار شده اند. در فقه اسلام که از امارات قضایی به «ظاهر حال» تعبیر می‌شود، با توجه به این که از ظنون غیرمعتبر هستند، بر اصل برائت مقدم نخواهند بود مگر آن که این امارات یقین آور و یا دست کم اطمینان بخش باشند (Mohaghegh Damad).

ب- مصادیق اماره مجرمیت در حقوق کیفری ایران

۱- عدم اثبات عدم آگاهی و توجه مرتکب طبق تبصره یک ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی منجر به اثبات جنایت عمدی می‌شود مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود. و طبق تبصره ۲ همین ماده باید آگاهی و توجه مرتکب به این که کار نوعاً نسبت به مجنی علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر

دم بر وجود شرایط وقوع جنایت کافی است، حکم ماده فوق، خلاف اصل برائت بوده و لذا باید محدود به مواردی شود که دعوت مجنی علیه در شب اتفاق افتاده است، لذا نباید قیودی مثل «شبانه بودن دعوت» یا «فراخواندن از منزل» را قیودی مصداقی و تمثیلی تلقی نمود بی آنکه هدف قانونگذار محدود کردن ماده به این مصادیق بوده باشد (Mir Mohammad Sadeghi, 2010).

۴- عضویت در دسته‌ها و جمعیت‌های غیر قانونی: مطابق ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود. مطابق این ماده، تشکیل و اداره ی جمعیت و احزاب ممنوعه در صورتی که با هدف ارتکاب یکی از جرائم علیه امنیت اعم از امنیت داخلی و خارجی کشور صورت گیرد، منجر به مجازات حبس خواهد شد. مرتکب جرم موضوع این ماده، می‌تواند ایرانی یا خارجی باشد و مکان ارتکاب جرم هم اعم از داخل یا خارج از کشور است (Mir Mohammad Sadeghi, 2010).

۵- اوراق کردن وسیله نقلیه موتوری: طبق ماده ۷۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) هر کس بخواهد وسیله نقلیه موتوری را اوراق کند مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف وسیله نقلیه به راهنمایی و رانندگی محل اطلاع دهد، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف مدت یک هفته اجازه اوراق کردن وسیله نقلیه را بدهد و اگر به دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، هرگاه راهنمایی و رانندگی هیچگونه اقدامی در آن مدت نکرد اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای مدت مجاز است. تخلف از این ماده برای اوراق کننده موجب محکومیت از دو ماه تا یک سال

حبس خواهد بود. عنصر مادی این جرم، شامل اوراق کردن وسیله نقلیه موتوری است، این جرم می‌تواند توسط مالک یا غیر آن محقق شود. همچنین اگر کسی خودروی را در اختیار مکانیکی قرار دهد تا آن را اوراق کند آمر مسئولیت دارد؛ مگر اینکه مباشر برای خودش، آن را اوراق کرده باشد. عنصر معنوی این جرم، شامل سوء نیت عام مرتکب است، بدین معنا که باید احراز شود شخص با علم و اراده آزاد خود به این رفتار اقدام نموده است، انگیزه ی فرد از این رفتار تاثیری در تحقق جرم ندارد (Zera'at, 2003).

۶- گزارش نکردن سرقت یا مفقودی پلاک خودرو: طبق ماده ۷۲۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده): چنانچه وسیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آن که مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیکترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جزای نقدی محکوم خواهد شد.

۷- پولشویی: در تبصره ۳ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی دیده می‌شود که مرتکبین جرم منشا در صورت ارتکاب جرم پولشویی علاوه بر مجازات‌های مقرر مربوط به جرم منشا، به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد. مرتکبین جرم پولشویی در صورت عدم ارتکاب جرم منشا صرفاً به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شوند.

۸- در قانون اصلاحی مبارزه با مواد مخدر (بند ۴ ماده ۴ و بند ۴ ماده ۵ و ماده ۶ و بند ۶ ماده ۸) عبارت مصادره اموال ناشی از همان جرم. آورده شده است که نسبت به قانون قبلی عدول از اماره مجرمیت برای مصادره کل اموال مجرم تلقی می‌شود. در ماده ۳۰ قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر شده است که "وسائط نقلیه‌ای که...، چنانچه حمل مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیرداروئی بدون اذن و اطلاع مالک وسیله نقلیه صورت گرفته باشد وسیله نقلیه به مالک آن مسترد می‌شود". در این ماده، صرف استفاده از

اصل براءت بعنوان اصل اساسی در حقوق کانادا: منشور حقوق و آزادی‌های کانادا، بخش ۱۱(د) حق بی‌گناه فرض شدن را برای شهروندان کانادایی تضمین می‌کند. به طور خاص، هرکسی که بازداشت شده یا متهم به جرم است، حق دارد «تا زمانی که مجرمیتش طبق قانون در یک دادرسی عادلانه و علنی توسط دادگاه مستقل و بی‌طرف ثابت نشود، بی‌گناه فرض شود». استدلال می‌شود که فرض بی‌گناهی اساسی ترین و مهمترین اصل حاکم بر دادرسی کیفری در کانادا است. این اصل اساسی بر هر جنبه‌ای از روند قانونی تأثیر می‌گذارد، از زمانیکه فردی ابتدا توسط پلیس بازداشت می‌شود تا محاکمه و محکومیت احتمالی او آغاز شود. اماره براءت، دلیلی است که متهمی که متهم به جرم سنگین کیفری است، در صورتی که توانایی مالی برای حفظ وکیل یا وکالت خود را نداشته باشد، باید برایش وکیل تعیین شود. "معیار اثبات فراتر از شک معقول بسیار مهم است، زیرا به طور جدایی ناپذیری با فرض اساسی که برای همه محاکمات جنایی اساسی است، پیوند خورده است: یعنی اماره براءت". همیشه باید به هیئت منصفه آموزش داده شود که این اماره، مفهومی بیهوده، ذهنی یا دلسوزانه نیست، بلکه بر اساس دلیل و شواهد (یا فقدان شواهد) ارائه شده است. این امر به این معنی است که فرد متهم وارد یک دادرسی می‌شود که فرض می‌شود بی‌گناه است و این فرض باید تا زمانی که شواهد کافی برای جلب رضایت هیئت منصفه بدون شک معقول مبنی بر مجرم بودن شخص متهم ارائه نشده باشد، باقی بماند. در حمایت از حق یک فرد بر اماره بی‌گناهی، کافی نیست که ثابت شود که متهم «احتمالاً» مجرم است. در عوض، باید به هیئت منصفه توصیه شود که تنها در صورتی می‌تواند متهم را محکوم کند که مطمئن باشند که متهم مجرم است. توضیح دقیق بار اثبات مورد نیاز توسط قاضی برای هیئت منصفه برای اطمینان از دادرسی عادلانه ضروری است و خطای قاضی پرونده در توضیح این اصل اساسی با نظر هیئت منصفه دلایل قابل توجهی دارد.

وسیله نقلیه منجر به اماره مجرمیت نشده بلکه نبود علم و اطلاع مالک وسیله نقلیه دایر بر توسل به اصل براءت تلقی می‌شود.

۹- ترک اتفاق در قانون حمایت خانواده: طبق ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. تبصره - امتناع از پرداخت نفقه زوجه ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است. برای تحقق جرم ترک اتفاق اولاً زوج باید به لحاظ مالی استطاعت داشته باشد و ثانیاً زوجه باید تمکین نماید. زوجه ای که از تمکین سر باز زند و ناشزه باشد نفقه ای ندارد که عدم پرداخت آن را بتوان جرم دانست. برای تحقق جرم ترک اتفاق، نفقه باید ناظر به آینده باشد، نفقه گذشته زوجه مشمول عنوان مجرمانه ترک اتفاق نمی‌شود. از لحاظ مستمر و آنی بودن، جرم ترک اتفاق یک جرم مستمر است چنانچه زوج، چند همسر داشته باشد، ترک اتفاق هر یک، یک جرم مجزا در نظر گرفته می‌شود. عدم پرداخت نفقه باید با قصد مجرمانه باشد؛ یعنی زوج بخواهد زوجه را از حق قانونی اش محروم نماید.

۲- اصل براءت و اماره مجرمیت و مصادیق آن در حقوق کانادا

الف) اصل براءت

اماره بی‌گناهی در کانادا: تعریف و کاربرد: در کانادا، افرادی که متهم به ارتکاب جرم هستند، تا زمانی که جرمشان توسط دادگاه ثابت نشود، بی‌گناه تلقی می‌شوند. به این «فرض براءت یا اماره بی‌گناهی» می‌گویند. فرض براءت یکی از مهمترین حقوق در نظام عدالت کیفری کانادا است.

اماره برائت به این معناست که بار اثبات در محاکمه نه تنها از نظر اثبات مجرمیت شخص در یک جرم خاص بلکه در مورد مجازات نیز بر عهده دادستان است. اصول راهنمای زیر که توسط دادگاه عالی کانادا، نشان می‌دهد که مسئولیت قابل توجهی بر دادگاه برای اثبات ادعای خود فراتر از شک منطقی مطرح است. اولاً، اگر ادله متهم را قبول دارد، بدیهی است که باید تبرئه شود. ثانیاً، اگر به شهادت متهم اعتقاد ندارد، اما در آن شک معقول باقی مانده است، باید تبرئه شود. ثالثاً، حتی اگر شواهد متهم در شک و شبهه قرار نگیرد، باید پرسید که آیا بر اساس شواهدی که قبول است، بیش از حد معقول به مجرم بودن متهم متقاعدند.

اصل و استثنائات اصل برائت در کانادا: به عنوان یک شهروند کانادایی، دولت نمی‌تواند حقوق شمارا از بین ببرد. یکی از این حقوق، اصل برائت است، به این معنی که از نظر قانونی، تا زمانی که مجرمیت شما ثابت نشود، باید از نظر اتهامی بی‌گناه شناخته شود.

شرایط برائت، شک معقول: شخص متهم به جرم یا جنحه نیازی به اثبات بی‌گناهی خود ندارد. مدعی العموم به نام دادستان، باید اثبات کند که شخص مرتکب جرم شده است. برای انجام این کار، دادستان باید قاضی یا هیئت منصفه را متقاعد کند. در طول محاکمه، قاضی و هیئت منصفه باید به بیطرفی احترام بگذارند. نمایندگان دادگستری نباید هیچ تعصبی نسبت به متهم داشته باشند. متهم تا زمانی که جرمش ثابت نشود بی‌گناه است. برای محکومیت، نباید "شک معقولی" در مورد جرم وجود داشته باشد. اگر در پایان محاکمه، شواهد کافی وجود نداشته باشد یا قاضی و هیئت منصفه همچنان شک منطقی داشته باشند، متهم باید بیگناه شناخته شده و تبرئه شود. همه این قوانین بخشی از حق اساسی فرض برائت است که توسط بخش ۱۱(د) منشور حقوق و آزادی‌های کانادا به رسمیت شناخته شده است.

حق سکوت: در تمام مراحل دادرسی، متهم حق سکوت دارد. این حق از زمان دستگیری تا نتیجه محاکمه می‌باشد. این بدان معناست که آن‌ها ملزم به شهادت در دفاع از خود نیستند و ممکن است همیشه سکوت کنند. نکته مهم این است که قاضی و هیئت منصفه نباید انتخاب متهم برای سکوت را به عنوان دلیلی بر گناه تفسیر کنند. پس یک فرد در کانادا تا زمانی که جرمش ثابت نشود بی‌گناه تلقی می‌شود. هنگام شهادت، متهم می‌تواند با حرف آن‌ها موافقت یا مخالفت کند. این بدان معناست که متهم می‌پذیرد در صورت تمایل به سؤالات وکیل خود و دادستان پاسخ دهد.

استثنائات فرض برائت: فرض برائت حق مطلق نیست و استثنائات خاصی برای حمایت از جامعه وجود دارد. به عنوان مثال، بخش‌های خاصی از قانون جنایی کانادا حاوی پیش‌فرض‌های احتمالی است که متهم را ملزم می‌کند با ۵۰٪ + ۱ ثابت کند که مجرم نیست. در این مورد خاص، فرض برائت صدق نمی‌کند و متهم باید به تنهایی (یا با وکیل) بیگناهی خود را ثابت کند. هر کسی که در کانادا به یک جرم متهم شود، تا زمانی که مجرمیتش در دادگاه ثابت نشود، بی‌گناه محسوب می‌شود. متهم حق دارد وکیل داشته باشد، اما در صورت عدم داشتن وکیل، همچنان باید حداقل از یک نوع کمک در طول محاکمه بهره‌مند شود. اینجاست که وکلای منتخب دادگاه می‌توانند کمک کنند.

حقوق متهم و اماره بی‌گناهی طبق بخش ۱۱(د) قانون کانادا: بخش ۱۱ منشور حقوق و آزادیها شامل فهرستی از حقوقی است که برای هر فردی که متهم به جرم کیفری است، ارائه می‌شود. بخش فرعی (د) از حق «بی‌گناه فرض شدن تا زمانی که مجرمیت طبق قانون در دادرسی عادلانه و علنی توسط دادگاه مستقل و بیطرف ثابت شود» حمایت می‌کند. حقوق مندرج در بخش ۱۱ به محض متهم شدن شخص به جرم یا زمانیکه "محکومیت در رابطه با جرم ممکن است منجر به عواقب کیفری واقعی شود، درگیر می‌شود. همانطور که دیوان عالی در پرونده "آر علیه اوکس" بیان کرد: «فرض

بخشی از تجزیه و تحلیل بند ۱ در نظر گرفته می‌شوند، به راحتی قابل توجیه نخواهد بود.

رانندگی در حال مستی: طبق ماده (۱) ۲۳۷ بند یک منشور حقوق کانادا، دادگاه حداقلی ترین سطح برای اثبات مجرمیت رانندگان در قبال حفاظت از افراد جامعه اتخاذ خواهد کرد. طبق این ماده، تهدید امنیت عمومی جامعه از طریق رانندگی در حالت مستی به رسمیت شناخته شده است که صرف نشستن افراد در حال مستی در جایگاه راننده، حقوق تضمین شده افراد را نقض می‌کند و دلیلی مجرمیت راننده است که طبق ماده ۲۳۴ همین قانون کیفری کانادا مصوب ۱۹۷۰، اثبات اشغال جایگاه راننده توسط شخص مست برای رانندگی جرم است. ماده (۱) ۲۳۴ مقرر می‌دارد که هرکس وسیله نقلیه موتوری را رانندگی کند یا از وسیله نقلیه موتوری مراقبت یا کنترل داشته باشد، خواه در حرکت باشد یا نباشد، در حالی که توانایی او در رانندگی وسیله نقلیه موتوری به دلیل الکل یا مواد مخدر مختل شده باشد، مجرم است. جرم قابل مجازات یا جرمی که بر اساس محکومیت اختصاری مجازات دارد.

مجرمان سابقه دار در قانون مهاجرت کانادا: طبق ماده ۳۶ قانون حمایت از مهاجران و پناهجویان، افراد دارای سابقه جرائم سنگین و جنایت در مبادی ورودی کانادا پذیرفته نمی‌شوند بدلیل اینکه امکان انجام اینگونه جرائم را در کانادا در آینده دارند. در ضمن مجرمان سابقه دار شهروند کانادا نیز از برخی حقوق در داخل خاک کانادا بدلائل امنیتی محروم می‌شوند.

نتیجه‌گیری

در حقوق اکثر کشورها از جمله ایران و کانادا موضوع اصل برائت بعنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده است و عدول از آن منجر به اماره مجرمیت شده و متهم باید برای اثبات بیگناهی خود به اقامه دلیل بپردازد. حتی در موارد عدول از اصل برائت، قواعد، اصول و مقرراتی در قوانین در هردو کشور مثل قانون احترام به آزادیهای مشروع در حقوق ایران و منشور حقوق و آزادیها در قانون کانادا

بر بیگناهی یک اصل مقدس است که در قلب حقوق کیفری قرار دارد که مؤید ایمان ما به نوع بشر است. این امر منعکس کننده اعتقاد ماست که افراد تا زمانی که خلاف آن ثابت شود، اعضای شایسته و قانونمند جامعه هستند

ب) اماره مجرمیت

اثبات مجرمیت با تحقق ارکان مادی و معنوی جرم: بخش ۱۱(د) منشور مزبور شامل «حداقل سه معیار است: ۱- اینکه متهم بدون تردید معقول مجرمیت او ثابت شود. برای تحقق این معیار، هر یک از عناصر اساسی جرم- از جمله عنصر روانی و عنصر مادی جرم *actus reus* و *mens rea* باید بدون تردید معقول ثابت شود. ۲- اینکه دولت بار اثبات گناه یک فرد را به دوش می‌کشد. ۳- تعقیب کیفری با رعایت مراحل قانونی انجام شود. با این حال، بر اساس بخش ۱۱(د)، متهم حق ندارد از "مطلوبترین رویه‌های محاکمه ای قابل تصور" برخوردار شود. همانطور که دیوان عالی کانادا بیان کرده، عادلانه بودن دادرسی نه تنها باید متهم بلکه شاکی را نیز در نظر بگیرد و جامعه گسترده تر مانند تمام حقوق مندرج در منشور، بخش ۱۱(د) را می‌توان طبق بخش محدود کرد. به عنوان مثال، بخش ۱ برای حمایت از برخی مقررات حقوق کیفری که مسئولیت معکوس را بر متهم تحمیل می‌کند، استفاده شده است. چنین مقرراتی که متهم را ملزم به رد فرضی می‌کند که از یک واقعیت ثابت ناشی می‌شود، به طور کلی نقض بند ۱۱(د) تلقی می‌شود.

ج) مصادیق اماره مجرمیت

قاچاق مواد مخدر: طبق بند (د) ماد ۱۱ قانون فوق، در کانادا فرض بر اینست که داشتن مواد مخدر دلیلی بر قصد قاچاق آن است، مگر اینکه متهم بتواند خلاف آن را ثابت کند. هنگام انجام تجزیه و تحلیل بند ۱، دادگاه عالی کانادا تشخیص داد که بند ۱۱(د) دارای وزن قابل توجهی است. این امر بطور خلاصه به این معنی است که نقض حق بند ۱۱(د) از نظر منافع جمعی که معمولاً به عنوان

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The principle of presumption of innocence has long been recognized as one of the foundational guarantees in both Islamic and Western jurisprudence. In the Iranian legal framework, Article 37 of the Constitution explicitly codifies that “no one is considered guilty unless proven in a competent court.” This provision reflects not only a constitutional safeguard but also an echo of deep-rooted jurisprudential and philosophical traditions that stress the inherent dignity and freedom of the individual. Jurists such as Jafari Langroudi have emphasized that doubt is a state in which two equal possibilities exist without preference, while presumption of innocence arises precisely to protect the accused in such uncertain conditions (Jafari Langroudi, 2008). Similarly, in Islamic legal theory, the principle of *bara’at* (innocence) is regarded as one of the four fundamental operative principles (*usul amaliyya*) ensuring that no individual is burdened without clear legal evidence (Mozaffar). The Qur’anic injunctions reinforce this idea, as several verses highlight the impossibility of transferring guilt from one person to another and forbid punishment without prior clear exposition (Mohaghegh Damad). These sources collectively underline the presumption of innocence as a safeguard against arbitrary punishment, a concept further confirmed in Iranian statutory provisions such as Article 4 of the Code of Criminal Procedure (2013) and Article 197 of the Code of Civil Procedure. Yet, alongside this foundational safeguard, Iranian law also recognizes certain contexts in which presumptions of guilt (*amara-ye jurmiyat*) apply, thereby reversing the usual burden of

وجود دارد که امکان دادرسی عادلانه را برای متهم فراهم می‌آورد.

امکان دسترسی به وکیل یا تامین وکیل از سوی دادگاه برای اثبات

بیگناهی متهم از دیگر امکانات قوانین هردو کشور می‌باشد.

مصادیق اماره مجرمیت در قوانین ایران و کانادا احصا شده است.

proof and requiring the accused to establish their innocence.

From a conceptual perspective, the notion of *amara* in Islamic jurisprudence literally means a “sign” or “indicator” (Dehkhoda, 1993). Legally, it refers to circumstances that—either by law or by judicial inference—are considered sufficient to establish the likelihood of an event or fact. While *amara* can function in both civil and criminal contexts, its operation in criminal law is of special significance because it touches upon the tension between safeguarding society and protecting individual rights. The Civil Code of Iran (Article 1321) defines *amara* as circumstances which, by virtue of law or judicial opinion, are treated as evidence of an act or fact. Jafari Langroudi notes that judicial presumptions are in fact auxiliary tools of cognition that guide the judge in establishing certainty where direct evidence is absent (Jafari Langroudi, 2008). Accordingly, presumptions of guilt are based on external circumstances that suggest the accused’s involvement in crime, allowing the court or prosecutor to relieve themselves from proving certain elements of the offense. Yet, these presumptions are not absolute and remain rebuttable, thereby enabling the accused to present stronger counter-evidence. Islamic jurisprudence recognizes two types of presumptions: *amara qanuni* (legal presumptions) and *amara qaza’i* (judicial presumptions). The former are codified by statute, while the latter derive from judicial evaluation of circumstances. While the presumption of innocence normally prevails, certain statutory provisions such as those concerning *qassameh* (oath procedures in

homicide cases), night abduction, or unlawful associations indicate exceptions where presumptions of guilt operate to protect public order and justice (Mohaghegh Damad).

Concrete instances of presumptions of guilt in Iranian criminal law provide insight into the scope and limits of such exceptions. For example, under Article 290 of the Islamic Penal Code, the inability of the accused to demonstrate lack of awareness may result in the characterization of a homicide as intentional. Similarly, the evidentiary concept of *lows* in homicide cases—where strong circumstantial evidence exists—shifts the burden to the accused to disprove the allegation. In Article 513 of the Penal Code, if an individual summons another at night and the latter disappears, the summoner is presumed responsible unless they prove otherwise. Other statutory examples include the prohibition of illegal associations (Article 498 Penal Code) (Mir Mohammad Sadeghi, 2010), dismantling motor vehicles without permission (Article 721 Penal Code) (Zera'at, 2003), failure to report theft of vehicle license plates (Article 722), and the offense of money laundering under Article 9 of the Anti-Money Laundering Act. Each of these instances demonstrates a legislative intent to prioritize public safety and social order, even at the expense of reversing the default presumption of innocence. While such measures may seem at odds with constitutional principles, Iranian jurists argue that these exceptions remain circumscribed by broader considerations of justice, allowing rebuttal by sufficient counter-evidence and thus maintaining overall coherence with the principle of innocence.

The Canadian legal system also enshrines the presumption of innocence as a cornerstone of criminal justice. Section 11(d) of the Canadian Charter of Rights and Freedoms guarantees the right of every individual “to be presumed innocent until proven guilty according to law in a fair and public hearing by an independent

and impartial tribunal.” This provision underscores the integral role of the presumption of innocence in protecting individuals against the arbitrary exercise of state power. Canadian courts have consistently emphasized that guilt must be established “beyond a reasonable doubt,” which remains the highest standard of proof in common law jurisdictions. This requirement not only protects the accused but also ensures that justice is perceived to be fair and impartial by the broader public. The Supreme Court of Canada in *R v. Oakes* has reinforced the sacred nature of this principle, linking it to the fundamental values of human dignity and societal trust. Yet, Canadian law also acknowledges exceptions that, under pressing social circumstances, justify the imposition of reverse onus provisions. These exceptions often arise in relation to public safety, such as drug trafficking or impaired driving, where statutory presumptions shift the burden of proof onto the accused.

Examples of presumptions of guilt in Canadian criminal law highlight the balance between individual rights and collective security. Under drug legislation, mere possession of a certain quantity of narcotics may be treated as evidence of intent to traffic unless disproved by the accused. Similarly, impaired driving statutes provide that the simple fact of occupying the driver's seat while intoxicated suffices for criminal liability, even if the vehicle is not in motion. Section 234 of the Criminal Code explicitly criminalizes care or control of a vehicle while one's ability is impaired, and conviction can follow even without proof of actual driving. Immigration law also reflects presumptions of guilt or dangerousness: individuals with serious criminal records may be deemed inadmissible to Canada on the assumption of potential future criminality. These statutory presumptions underscore the state's effort to protect collective security while preserving

procedural fairness by enabling rebuttal. Canadian jurisprudence, however, carefully scrutinizes such reverse onus clauses under the proportionality test of Section 1 of the Charter, ensuring that restrictions on presumption of innocence are demonstrably justified in a free and democratic society.

Comparative analysis of Iranian and Canadian systems reveals both convergences and divergences in the treatment of presumptions of guilt. Both jurisdictions recognize presumption of innocence as a constitutional or quasi-constitutional guarantee, while simultaneously accepting limited exceptions in the interest of public order, safety, and justice. In Iran, the roots of these exceptions are heavily influenced by Islamic jurisprudence and traditional evidentiary concepts such as *amara* and *qassameh*. In contrast, Canadian exceptions largely derive from statutory policy responses to modern societal risks, such as drug trafficking, impaired driving, and migration-related security concerns. Yet, in both systems, the accused retains the right to rebut presumptions through evidence, thereby preserving an essential measure of fairness. Notably, jurists across both jurisdictions emphasize that presumptions of guilt must remain exceptional, narrowly tailored, and always subject to challenge by the accused. This comparative framework underscores a universal legal struggle: reconciling the imperative of public security with the inviolability of individual rights.

In conclusion, the extended examination of presumptions of innocence and guilt within Iranian and Canadian criminal law highlights the enduring tension between safeguarding personal freedoms and ensuring societal order. Both legal systems have developed frameworks that uphold the presumption of innocence as a foundational principle while carving out limited statutory exceptions where reverse burdens are deemed necessary. The

analysis shows that although the contexts differ—Islamic jurisprudence and traditional legal concepts in Iran versus modern statutory policy and constitutional balancing in Canada—the underlying objective remains the same: to achieve justice by preventing arbitrary punishment while addressing serious threats to public safety. Ultimately, the comparative study illustrates that any deviation from the presumption of innocence must remain exceptional, proportionate, and rebuttable, thereby ensuring that the pursuit of security does not erode the very foundations of justice.

References

- Dehkhoda, A.-A. (1993). *Dehkhoda Dictionary* (Vol. 2). University of Tehran Press.
- Jafari Langroudi, M. J. (2008). *Legal Terminology* (19th Edition ed.). Ganj-e Danesh Library Publications.
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2010). *Special Criminal Law (Crimes Against Persons)* (7th ed.). Mizan.
- Mohaghegh Damad, S. M. *Principles of Jurisprudence*.
- Mozaffar, M. R. *Osul al-Fiqh (Principles of Jurisprudence)* (Vol. 1).
- Zera'at, A. (2003). *A Commentary on the Islamic Penal Code (Volume 3): Discretionary Punishments Section* (1st ed.). Ghoghnoos.